

مسئله غدیر

مسئله غدیر، صرفاً یک مسئله ای که ما جمع شیعه به آن اعتقاد داریم و یک عده از مسلمان ها هم به آن اعتقاد ندارند، این نیست. در نگاه تاریخی به اسلام و در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام، موضوع غدیر - یعنی نصب جانشین - یک ضرورتی بود که اگر آن چنان که تدبیر شده بود - تدبیر رحمانی و الهی و تدبیر نبوی - عمل می شد، بدون تردید مسیر تاریخ بشر عوض می شد و امروز ما در جایگاه بسیار جلوتری از تاریخ طولانی بشریت قرار داشتیم.

امروز بشر عیناً همان نیازهایی را دارد که پنج هزار سال پیش، این نیازها را داشت. نیازهای اصولی بشر هیچ تفاوتی نکرده است.

چالش های بشر در جوامع کنونی	چالش های بشر در جوامع قدیم
<p>✓ امروز هم شما - شماها چشمتان باز است اگر دنیا را از نفوذ قدرت های ستمگر و ویرانگر نگاه کنید، خواهید دید که بشر دارد رنج می برد.</p>	<p>✓ آن روز هم بشر از نفوذ قدرت های ستمگر رنج می برد.</p>
<p>✓ امروز هم شما نگاه کنید، در دنیا بزرگترین مشکل بشر، بی عدالتی است.</p>	<p>✓ آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و برترین رنج او بی عدالتی</p>
<p>✓ این تور احاطه کننده ی بر اراده، حرکت و حیات انسان، امروز ریزتر بافته شده، از خيوط و نسخ های باریکتری استفاده شده و با مهارت بیشتری به آب انداخته می شود.</p>	<p>✓ خطاست اگر خیال کنیم که این آزادی فردی - که لیبرال دموکراسی غرب به بشر هدیه داده - این نیاز بشر بوده که قبلاً نبوده؛ چرا؛ به این شکل هایی که امروز آزادی های فردی هست، در بسیاری از دوره های تاریخ و در بسیاری از مناطق تاریخ وجود داشته است. همین محدودیت هایی که امروز به شکل پنهان اراده ی انسان ها را به زنجیر می کشند، اینها یک روز به صورت آشکار بوده است.</p>
<p>✓ امروز ما و جامعه بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم.</p> <p>✓ در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست، بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد، بلکه همه جا هست.</p> <p>زورگویی هست.</p> <p>✓ ولایت نابحق انسان ها بر انسانهاست.</p> <p>✓ همان چیزهایی که چهار هزار سال پیش دو هزار سال پیش به شکل های دیگری وجود داشته است، امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگ ها عوض شده است.</p>	<p>✓ اگر آن دست به دست شدن امانت نبوی و گسترش کمی و کیفی متناسب و درست، انجام می گرفت، امروز بشر این نیازها را گذرانده بود.</p> <p>✓ آن نیازها ممکن بود باشد اما دیگر این قدر ابتدایی نبود.</p>

پیش نیازهای بشر تغییر نکرده است

✓ «غدیر» شروع آن روندی بود که می توانست بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله ی دیگری وارد کند.

✓ آن وقت نیازهای لطیف تر و برتری، و خواهش ها و عشق های به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل می داد.

✓ امروز پایه های اصلی خراب است؛

✓ این پایه ها را پیغمبر اسلام بنیانگذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسئله ی وصایت و نیابت را قرار داد؛ اما تخلف شد. اگر تخلف نمی شد، چیز دیگری پیش می آمد. «غدیر» این است.

مقایسه نیازهای اصولی بشر در روند تحولات تاریخی و ارتباط آن با مسئله غدیر

لازمه رسیدن به قدرت بین المللی کسب قدرت علمی است

✓ امروز کسانی در دنیا زور می گویند،
✓ خلاف قوانین بین المللی رفتار می کنند،
✓ وقیحانه ترین موضع را در دنیای تعامل بین المللی انسان ها، ملت ها و دولت ها می گیرند و
خجالت هم نمی کشند؛ سرشان را بالا می گیرند.

چرا؟

✓ چون قدرت دارند؛ قدرت اقتصادی و سیاسی (که از اقتصادی ناشی می شود) و بالاتر از
همه ی اینها، قدرت علمی، که منشأ همه ی اینهاست؛ یعنی منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی
شان هم قدرت علمی است.

✓ ما این طرف دنیا حرف های حق زیادی داریم؛ حرفمان را شجاعانه می زنیم. منطقمان را در
صحنه های رویارویی منطقی هم اثبات می کنیم... اما احتیاج به یک چیز دیگری هم داریم و آن،
عبارت است از «قدرت بین المللی»، تا بتوانیم این راه را بی دغدغه، درست، به طور کامل، همه جانبه و بی
کم و کاست ادامه دهیم و به اهداف و آرمان هایمان برسیم.

این قدرت را (قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی) چطوری به دست آوریم؟

✓ پایه و مایه ی همه ی اینها، قدرت علمی است!
✓ یک ملت، با اقتدار علمی است که می تواند سخن خود را به گوش همه ی افراد دنیا برساند؛
✓ با اقتدار علمی است که می تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود.
✓ اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می آید؛
✓ پول تابع توانایی هاست. امروز این طوری است؛
✓ علم را می شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد.

این جایگاه علم است. ما از علم عقب مانده ایم.

✓ امروز مهمترین نیاز
دنیای اسلام این است که،
آن جوهر اسلام ناب و گوهر
تابناک - با شکلی که تهمت
بی سوادی، تحجّر،
مقدس مآبی و از زمان
عقب ماندن و عقب مانده
بودن دیگر به آن وارد
نیاید - بتواند به اهداف
خودش برسد؛ ما در دنیای
اسلام و امت اسلامی این را
نیاز داریم.
✓ وظیفه ی دانشگاه (نه
فقط دانشگاه امام صادق؛
مطلق دانشگاه) در این
کشور، این است که این
دره ی علمی را پُر کند.
✓ هر چه می توانید،
علم بیاموزید.

در جایگاه مهندسی فرهنگی کشور دو شاخه اصلی وجود دارد: علوم انسانی و علوم پایه

✓ شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه ها و مایه های محکمی در این جا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته ی خود ما. برخی از علوم هم تولید شده ی غرب است؛ یعنی به عنوان یک علم، وجود نداشته، اما غربی ها که در دنیای علم پیشروی کرده اند، اینها را هم به وجود آورده اند؛ مثل روانشناسی و علوم دیگر.

✓ ما، هم برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه ی علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه هایی که آنها در این علم جمع آورده اند، به یک نگاه علمی احتیاج داریم.

✓ منتها گرفتن پایه های یک علم از یک مجموعه ی خارج از محدوده ی مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می ماند که شما یک کارخانه را وارد می کنید، آنها با این کارخانه یک چیز بد درست می کرده اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می کنید؛ هیچ اشکالی ندارد.

✓ ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن و جو زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد.

بینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می گوید.

✓ امروز غربی ها یک منطقه ی ممنوعه ای در زمینه ی علوم انسانی به وجود آورده اند؛ در همه ی بخش های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه شناسی و روانشناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه ی دین.

✓ یک عده آدم ضعیف النفس هم دلباخته ی اینها شده اند و نگاه می کنند به دهن اینها که ببینند چه می گویند؛ هر چه آنها گفته اند، برایشان می شود وحی مُنزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدای علمی، در یک نقطه ی دنیا به یک نتیجه ای رسیده اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آنها فهمیده اند، درست است! شما به مبانی خودتان نگاه کنید.

✓ تاریخ، فلسفه، فلسفه ی دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته اند و به صورت یک علم در آورده اند، مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد.

✓ باید یک بنای این چینی و مستقل بسازیم.

✓ باید روی این دو شاخه - دو شاخه ی اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی بشود تا این که پیش بروند.

✓ علم را بایستی در حدّ اعلا دنبال کنید.

شما مأمور به پژوهشید

✓ شما مأمور به پژوهشید، شما مأمورید به این که فکر و کار کنید، نتیجه به دست آورید و آن نتیجه ی شما را رهبری و غیررهبری به عنوان دستاوردهای علمی بگیرند و بر اساس آن، برای کشور برنامه ریزی کنند.

✓ تحقیق علمی، شأن و خصوصیتش، آزادی است؛ منتها عقلایی؛ بی انضباطی نباشد.

بسیج باید مظهر انضباط باشد.

- ✓ بسیج مظهر ارزش های فعال و زنده ی یک جوان مؤمن است؛ یکی اش هم انضباط است.
- ✓ این که شنیده اید در جنگ می گفتند بسیجی بی ترمز است، این یک معنا و حرف دیگری داشت؛ اینها خوب عاشق شهادت بودند و پا بر زمین می کوبیدند.
- ✓ این طور نیست که بسیجی که عاشق است، مجاز باشد بر خلاف امر فرمانده و برخلاف انضباط سازمانی و انضباط عملی در محیط زندگی، یک حرکت بی انضباطی انجام بدهد؛ به خصوص که دانشجو و شما دانشجوها.

- ✓ الگوی دانشگاه اسلامی، داشتن انگیزه های ایمانی، رعایت های عملی و رفتاری و عشق به علم و علم آموزی عاشقانه و مؤمنانه است.
- ✓ این که امام می فرمایند: «من دوست داشتم بر سر شاگردان تازیانه ها بلند می شد، برای این که اینها را به علم بکشاند.»

این معنایش چیست؟

- ✓ علم را اسلام قدسیّت بخشیده، علم یک امر مقدّس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیّت است.
- ✓ این طور نیست که علم مثل هر ابزار دیگری، فقط وسیله ای برای پول درآوردن باشد - حالا پول هم از آن درمی آید - اما قدسیّت علم باید حفظ شود؛ «العلم نور»؛ نور بودن علم باید مورد نظر باشد و از جمله ی شوون دانشگاه اسلامی، یکی همین است.
- ✓ همه خیال می کنند دانشگاه اسلامی که می گوییم، یعنی حجاب ها این طوری باشد، پسرها آستین کوتاه نپوشند و زلف ها بلند نباشد؛ اینها که معنای دانشگاه اسلامی نیست!
- ✓ دانشگاه اسلامی یعنی ایمان، انگیزه، شور مقدّس، رفتار اسلامی و علم آموزی مؤمنانه، اینها شرط دانشگاه اسلامی است.

الگو و معنای دانشگاه اسلامی

«آمیزش علم با ایمان، معنویت و اخلاق»

اگر شما بتوانید گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامعه‌ی آراسته‌ی علم، خودش را نشان بدهد، ارائه دهید، کار بزرگی کرده‌اید.

✓ دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می‌کند.

✓ علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد.

✓ این که گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقه‌ی نفوذ علم و دین است؛ اینها هر کدام یک منطقه‌ی نفوذی دارند؛ تلفیق اینها، این است که علم - یعنی این سلاح را - ایمان - یعنی آن به کار برنده - می‌گیرد و جهتش را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدم‌ها را هدف قرار داد؛ منتها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است و «ایمان» جهت آن را مشخص می‌کند.

✓ اگر ایمان بر دانش غربی تسلط داشت، دانش غربی به بمب اتم نمی‌رسید، تا بعد این قدر تویش گیر کنند که چه کارش کنیم؛ محدودش کنیم؛ نگذاریم تا دنیا ویران بشود. کارشان اصلاً به این جا نمی‌رسید.

✓ اگر ایمان با دانش همراه بود، اصلاً استعمار و استعمار نو - که استعمار نو مخلوق دانش بود - به وجود نمی‌آمد.

✓ تسلط بر کشورها، تصرف کشورها، تسلط قهرآمیز بر ملت‌ها و بردن ثروت ملت‌ها - که این بالای این دویست سال گذشته‌ی دنیا و ملت‌هاست - اینها اصلاً به وجود نمی‌آمد.

✓ علم جدا از ایمان، این است.

✓ شما در دانشگاه

اسلامی، می‌خواهید

این خلأ را پر و علم

را با ایمان آمیخته

کنید؛ یعنی دانش را

چه در بافت درونی

خودش، چه در

استنتاجش و چه در

جهت‌گیری‌هایی که

در آن به کار خواهد

رفت، از ایمان

سیراب کنید.

خروجی دانشگاه اسلامی

✓ باید در علم، یک حرکتی به وجود آورید؛ باید در دنیای دانش آموزی و پیشرفت علمی کشور، یک تحرکی به وجود آورید؛ این است آن رسالت اصلی شما.

✓ کاری کنید که دانشمندان مسلمان و مؤمن ما، در رشته های مختلف علوم انسانی، صاحب نظرانی شوند که دنیا از نظرات اینها استفاده کند؛

✓ کاری کنید که دانشگاه امام صادق، نه فقط در مقایسه ی با فلان دانشگاه دیگری که در تهران یا شهرستان هست، یک رتبه ی جلوتری به دست آورد؛ بلکه این دانشگاه مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه های دنیا بشود.

✓ امروز در دنیا و حتی در همین دنیای گمراه غربی، افراد بسیاری هستند که به دنبال حقیقت اند؛

✓ انسان های دانشمند و دانش پژوهی هم در بین اینها هستند و فراوان اند و کم هم نیستند که دنبال حرف حساب و حق اند؛ یک چنین انسانی در هر نقطه ی دنیا - در کشورهای اروپایی، آسیایی، آمریکا و جاهای دیگر - وقتی دارد دنبال یک مطلبی می گردد، باید بتواند اثر علمی شما را در این پایگاه رایانه ای پیدا کند؛ حرف و فکر و راه تازه ای را که شما دارید نشان می دهید.

✓ این را ما از دانشگاه
امام صادق می خواهیم.
✓ خروجی دانشگاه امام
صادق باید با این نیت و
فکر، بتواند متخرج این
دانشگاه بشود.
✓ بنابراین دانشگاه را
قوی کنید.

✓ نهضت نرم افزاری و تولید علم که بنده گفته ام، در دانشگاه شما و رشته ی علوم انسانی، همین است که هر چه می توانید بیشتر بیاموزید و تحقیق کنید.

✓ اساتیدی هستند که فرآورده های اندیشه های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت ها به راحتی سجده می کنند؛

✓ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان طوری که متناسب با آن بت خود او است، می سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است.

✓ امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل کرده های باایمان داریم که می توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت پرستی نشوید؛

✓ تحقیق علمی به معنای فقط فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شماست.

توجه به نهضت نرم افزاری و تولید علم